

مطالعه‌ی سهولت یادگیری اصطلاحات انگلیسی معادل، مشابه و متفاوت با

زبان اول در میان دانش‌آموزان دبیرستان

رضا عبدی^۱ و غزال فرنگی‌زاده^۲

چکیده

تعداد زیادی از واژگان زبان انگلیسی به دلیل داشتن دو یا چند معنی دانش‌آموزان را در یادگیری دچار چالش می‌نمایند. زمانی که این دسته از واژه‌ها در قالب عبارات یا اصطلاحات مورد استفاده قرار گیرند یافتن معنی صحیح برای دانش‌آموزان دشوارتر می‌گردد. به منظور یافتن روش و ترتیب تدریس موثر، در این مطالعه یادگیری سه نوع اصطلاح معادل، مشابه، متفاوت انگلیسی تعداد ۵۴ دانش‌آموز سطح پیشرفته و متوسط زبان انگلیسی که شامل ۲۸ دانش‌آموز در سطح پیشرفته و ۲۶ دانش‌آموز در سطح متوسط بودند مورد مطالعه قرار گرفته است. به این منظور دانش‌آموزان هر سطح به صورت تصادفی به دو گروه آزمایشی و شاهد تقسیم شدند. در ابتدا از هر چهار گروه یک تست پیش‌آزمون که شامل اصطلاحات بود گرفته شد. سپس، گروه‌های آزمایشی تمرین‌هایی را به شکل مکالمه‌های کوتاه دریافت ولی گروه‌های شاهد هیچ تمرینی دریافت نکردند. در جلسه پایانی مجدداً یک تست پس‌آزمون فوری از هر چهار گروه گرفته شد و بعد از یک ماه همان آزمون به صورت پس‌آزمون تاخیری تکرار شد. داده‌های بدست آمده با استفاده از روش‌های آماری تحلیل واریانس با اندازه‌گیری تکراری و آزمون تی جفتی مورد تحلیل قرار گرفتند. نتایج بدست آمده نشان داد که در هر چهار گروه و در هر دو تست درک مطلب و ترجمه و در هر سه آزمون برگزار شده، بیشترین یادگیری متعلق به اصطلاحات معادل و به دنبال آن اصطلاحات مشابه بود و اصطلاحات متفاوت دشوارترین برای یادگیری بودند. به علاوه، دانش‌آموزان در کلیه آزمون‌ها و گروه‌ها در درک مفهوم اصطلاحات بهتر از ترجمه و بیان آنها عمل کردند.

واژه‌های کلیدی: عبارات اصطلاحی، درک اصطلاحات، ترجمه و بیان اصطلاحات، اصطلاحات معادل، اصطلاحات مشابه و اصطلاحات متفاوت

۱. دانشیار گروه آموزش زبان انگلیسی، دانشگاه محقق اردبیلی

۲. نویسنده‌ی رابط: دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش زبان انگلیسی، دانشگاه محقق اردبیلی

(ghazalfarangizade@yahoo.com)

تاریخ دریافت مقاله: ۹۵/۵/۲۵

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۶/۲/۱۲

مقدمه

زبان نقش حیاتی را در زندگی بشر ایفا می‌کند و توانایی یادگیری زبان و به ویژه زبان جدید یکی از عالی‌ترین دستاوردهای شناختی و روانی انسان بوده است. با این که زبان جدید می‌تواند از روش‌های مختلف یاد گرفته شود، اما یافتن روش موثر یادگیری زبان دوم یا بیگانه همواره دشوار بوده است. در پژوهش‌های یادگیری زبان دوم به واژگان کمتر از سایر بخش‌های دیگر توجه می‌شده است، که البته این روند در حال تغییر است (نیشن^۱، ۲۰۰۱). در واقع، واژگان مهم‌ترین و ضروری‌ترین بخش زبان هست که بدون آن زبان‌آموزان قادر نخواهند بود جملات قابل درک تولید کنند. دانش‌آموزان به دلیل این که بسیاری از واژگان انگلیسی دارای دو یا چند معنی هستند با مشکل مواجه می‌شوند و این مشکل زمانی شدت می‌یابد که این واژگان در قالب عبارات و اصطلاحات به کار برده شوند که در نتیجه تعیین معنی دقیق را برای آنان مشکل می‌سازند.

کارتر^۲ (۱۹۹۸) بر این عقیده است که از میان تمامی معانی مختلف برای هر کلمه به کار برده شده در اصطلاحات معمولاً یکی از آنها دارای معنای اصلی یا مکرر واژه مورد نظر می‌باشد که به آن معنای هسته‌ای گفته می‌شود. اشمیت^۳ (۲۰۰۰) معتقد است که به نظر می‌رسد در یادگیری واژگان زبان دوم، زبان‌آموزان تمایل بیشتری به یادگیری معنای اصلی واژگان قبل از معنای مجازی آن دارند و جالب این است که اصطلاحاتی که شامل معنی اصلی واژگان هستند نسبت به اصطلاحات با معنای مجازی بیشتر دچار انتقال از زبان اول^۴ می‌شوند. از طرفی، این واقعیت که اصطلاحات را نمی‌توان به طور واضح و جامع تعریف کرد، معلمان و دانش‌آموزان را با مشکلاتی مواجه می‌نماید (گرت و بئور^۵، ۲۰۰۴). برای مقابله با این مشکل، لازم است اصطلاحات به طور

-
1. Nation
 2. Carter
 3. Schmitt
 4. Language Transfer
 5. Grant & Bauer

واضح و مشخص تبیین و آموزش داده شوند. عوامل متعددی در ترجمه اصطلاحات در زبان دیگر وجود دارند که می‌توان به در دسترس بودن معنای مشابه در زبان هدف، اهمیت اجزای واژگانی خاص، و تناسب استفاده از آن اصطلاح اشاره کرد. از طرفی، هرچه فاصله بین زبان اول و دوم زبان‌آموز بیشتر باشد انتقال معنی آن نیز دشوارتر خواهد بود. به همین دلیل، یادگیری اصطلاحات سخت‌ترین بخش یادگیری زبان بوده و بیشتر مستعد انتقال از زبان اول دانش‌آموزان است و آنان را در یادگیری عبارات اصطلاحی به چالش وادار می‌کند.

هر زبان به تناسب باورها و فرهنگ گویش‌وران خود ساختارهای مجازی دارد که بر اساس ضرورت و نیاز در فرهنگ و واژه‌نامه‌ی زبانی آن جاودانه شده‌اند. اصطلاحات به مقوله‌ی زبان مجازی و غیرتحت‌اللفظی تعلق دارند و چون این صورت‌های زبانی معنای تحت‌اللفظی را بیان نمی‌کنند فهم و یادگیری آنها دشوار است. آشنایی با عبارت‌های اصطلاحی و توانایی استفاده درست از آنها در موقعیت‌های مناسب از نشانه‌های تسلط فرد بر زبان است و آموختن آنها از بخش‌های جدانشدنی یادگیری واژگان در زبان خارجی است. در یادگیری اصطلاحات دانستن معنای تک‌تک واژه‌های آن برای فهم معنی کل آن اصطلاح کافی نیست و لازم است هنگامی که زبان جدیدی آموزش داده می‌شود به روش خاصی اصطلاح‌ها نیز به صورت عبارت‌هایی مستقل آموخته شوند. البته این نکته در مورد همه اصطلاحات به یک اندازه صدق نمی‌کند. گاهی مبنای تجربی یا فرهنگی استعاره‌ای که اساس اصطلاح را می‌سازد در فرهنگ مقصد قابل درک است، در این صورت فهم معنی اصطلاح زیاد دشوار نیست. اما وقتی این مبنا در فرهنگ مقصد قابل درک نیست، فهم معنی اصطلاح دشوار می‌شود. در این موارد برای درک معنی نمی‌توان به حدس و استدلال تکیه کرد بلکه باید معنای آن را در فرهنگ لغت جست‌وجو و مفهوم صحیح آن را بدون توجه به کلمات تشکیل دهنده یاد گرفت. از آن جایی که بسامد استفاده از اصطلاحات در متون نوشتاری و گفتاری زیاد است، درک و ترجمه اصطلاحات زبان‌آموزان را با مشکل ویژه‌ای در یادگیری مواجه می‌سازد. اصطلاحات در دامنه وسیعی از موقعیت‌های روزمره

مورد استفاده قرار می‌گیرند و این رواج اصطلاحات در برقراری ارتباط، دانش‌آموزان را به مهارت در زبان دوم یا حداقل به سطوح بالاتری از روانی و سلاست در زبان دوم می‌رساند (میردهقان و کیانفر، ۲۰۱۲).

فیر^۱ (۱۹۸۰) عقیده داشت که یادگیری عبارات اصطلاحی برای کسانی که زبانی را به عنوان زبان دوم یاد می‌گیرند، هرگز کار ساده‌ای نیست، چرا که تلاش برای ترجمه‌ی تحت‌اللفظی این عبارات به زبان مادری یادگیرنده، اصلاً کارساز نبوده و معمولاً برای او گیج‌کننده است. از آنجایی که برقراری ارتباط بسیار مهم است، دانش قوی از اصطلاحات به زبان‌آموزان کمک می‌کند تا کاربران بهتری باشند. از این رو، آموزش و یادگیری اصطلاحات از اهمیت زیادی برخوردار است.

مانتیا^۲ (۲۰۰۴)، استدلال می‌کند که در گذشته، زمانی که نگاه به زبان ساختارگرایی بود، اصطلاحات بر پایه‌ی شکل و و اجزای تشکیل دهنده مطالعه می‌شد. اصطلاحات به عنوان عبارات منجمد و چند کلمه‌ای به حساب می‌آمدند که هیچ‌گونه تنوع ساختاری نداشتند. اصطلاحات همچنین عبارات مرده‌ای بودند که هیچ رابطه‌ای بین معنا و ریشه‌ی آنها دیده نمی‌شد. اما بعد از ظهور رویکرد گرامر کارکردی^۳ در مطالعه‌ی زبان، تمرکز از روی ساختار اصطلاحات برداشته شد و به سمت معانی اصطلاحات تغییر یافت. در طول دو دهه‌ی اخیر، واژگان در یادگیری و آموزش زبان از اهمیت زیادی برخوردار بوده‌اند. اگرچه در طول دهه نود، تمرکز و اهمیت از تک واژه‌ها به رشته کلمات، عبارات اصطلاحی و اصطلاحات تغییر کرد. اعتقاد بر این است که واژگان نه تنها از تک واژه‌ها بلکه همچنین از اجزای واژگانی بزرگتر مانند عبارات زبان و اصطلاحات تشکیل شده‌اند. بنابراین اصطلاحات نه تنها برای محققان و زبان‌شناسان، بلکه برای معلمان زبان نیز از اهمیت

-
1. Feare
 2. Mantyla
 3. Functional Grammar

بالایی برخوردار هستند.

اصطلاحات با وجود این که به‌طور عام در تمام صورت‌های سخن‌عبارتند از مکالمات، سخنرانی‌ها، فیلم‌ها و برنامه‌های تلویزیونی استفاده می‌شوند؛ به سختی برای دانش‌آموزان به‌طور موثر قبل درک و ترجمه هستند (فوتواتنیا^۱ و خاکی، ۲۰۱۲). مطالعات گیبز^۲ (۱۹۸۹) بیان می‌کند که اصطلاحات در تمامی زبان‌ها حضور دارند و بعضی از گونه‌های آن مختص فرهنگ خاصی هستند؛ به این معنی که این گونه از اصطلاحات دقیقاً همان معنی را بیان می‌کنند ولی نحوه‌ی استفاده از آنها و کلماتی که در آنها گنجانده می‌شوند از یک فرهنگ به فرهنگ دیگر متفاوت است.

اگرچه بیشتر مردم باور دارند که اصطلاحات در زبان غیر رسمی استفاده می‌شوند ولی آنها در زبان گفتاری و نوشتاری نیز مورد استفاده قرار می‌گیرند. سیدل و مک موردی^۳ (۱۹۷۸) بر این عقیده هستند که جملات اصطلاحی در زبان انگلیسی مرسوم بوده و گفتار و نوشتار بدون آنها مشکل خواهد بود. از آنجایی که اصطلاحات در انگلیسی گفتاری و نوشتاری به‌طور گسترده‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرند، لازم است روش و ترتیب درست یادگیری را محققان مشخص نمایند و دانش‌آموزان تلاش بیشتری را در یادگیری اصطلاحات داشته باشند.

پولیو، بارلو، و فاین^۴ (۱۹۷۷) و کوپر^۵ (۱۹۹۹) بر اهمیت اصطلاحات در یادگیری زبان دوم تأکید می‌کنند و باور دارند که اکثر انگلیسی‌زبانان در طول دوره زندگی حدود ۶۰ ساله، از ۱۰ میلیون استعاره و ۲۰ میلیون اصطلاح استفاده می‌کنند. براساس نظر آنها، ما روزانه در تمام بحث‌های سیاسی، متون روان‌شناسی، رمان‌ها و برنامه‌های تلویزیونی با زبان تحت‌اللفظی روبه‌رو می‌شویم. آنگلین، میلر، و ویکفیلد^۶ (۱۹۹۳) بر این باور هستند که بیش از نصف عبارات ترکیبی را

1. Fotovatnia
2. Gibbs
3. Seidl & MCMordie
4. Pollio, Barlow & Fine
5. Cooper
6. Anglin, Miller & Wakefield

اصطلاحات تشکیل می‌دهند. اصطلاحات به نوعی تنوع و ظرافت را به سخن می‌افزایند تا آن را غنی‌تر و به زبان بومی نزدیک‌تر کنند.

اصطلاحات بر حسب میزان ترجمه‌پذیری به زبان اول و مادری دانش‌آموزان به سه دسته تقسیم می‌شوند. نوع اول، اصطلاحات معادل نامیده می‌شوند که ترجمه کلمه به کلمه اصطلاحات به اصطلاحات زبان اول و مادری دانش‌آموزان هستند، مانند اصطلاح "he is only skin and bone" که به معنی «او پوست و استخوان است» می‌باشد. نوع دوم را اصطلاحات مشابه می‌نامند که از لحاظ دستوری و معنایی با اصطلاحات زبان اول یکسان ولی دارای برخی از تفاوت‌های جزئی هستند، مانند اصطلاح "rainy day" که به معنی «روز مبادا» هست. نوع سوم اصطلاحات متفاوت هستند که از نظر معنایی کاملاً متفاوت از اصطلاحات معادل در زبان مادری هستند، مانند "pulling his leg" که به معنی «او را دست انداختن» است.

در سال‌های اخیر مطالعات زیادی در زمینه انتقال از زبان اول انجام گرفته که بر روی اهمیت انتقال در فرآیند یادگیری زبان دوم تأکید داشته ولی تحقیقات کمی بر روی نقش انتقال از زبان اول در یادگیری اصطلاحات زبان انگلیسی توسط دانش‌آموزان بخصوص در ایران انجام گرفته است. بنابراین یافته‌های مطالعه زیر می‌تواند با در نظر گرفتن تأثیر انتقال از زبان اول و مادری در معرفی یک روش و ترتیب تدریس موثرتر اصطلاحات گام مهمی برداشته باشد. به طور کلی، نتایج این مطالعه به زبان‌شناسان و معلمان زبان کمک می‌کند تا دریابند کدام نوع از اصطلاحات در معرض انتقال مثبت و کدام نوع آنها در معرض انتقال منفی قرار می‌گیرند و در نتیجه به معلمان زبان در تدریس انواع مختلف اصطلاحات به زبان‌آموزان در سطح‌های مختلف یاری می‌رساند. بر این اساس، این مطالعه قصد دارد دریابد که کدام نوع از سه گونه اصطلاحات انگلیسی معادل، مشابه و متفاوت با زبان مادری آسان‌تر توسط دانش‌آموزان درک و ترجمه می‌شوند و این که آیا دانش‌آموزان در درک اصطلاحات بهتر عمل می‌کنند یا در ترجمه اصطلاحات عملکرد مناسب‌تری دارند.

روش

پژوهش حاضر از نوع نیمه‌آزمایشی می‌باشد.

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری: روش این پژوهش به این صورت بود که ۵۴ دانش‌آموز در سطح پیشرفته و متوسط زبان انگلیسی شامل ۲۸ دانش‌آموز پیشرفته و ۲۶ دانش‌آموز متوسط انتخاب، و به طور تصادفی به ۴ گروه تقسیم شدند. جهت گردآوری اطلاعات از ابزار زیر استفاده شد: ابزار مورد استفاده در این مطالعه عبارت هستند از یک پیش‌آزمون، یک پس‌آزمون فوری، و یک پس‌آزمون تأخیری. تمامی ۶۰ اصطلاح اصطلاح مورد مطالعه و مکالمات مربوط از کتاب‌های 101 American English Idioms Speak English Like an American و ایزدپناه (۱۹۹۶) انتخاب شدند. پیش‌آزمون شامل ۱۵ سوال چهارگزینه‌ای درک مطلب و ۱۵ سوال ترجمه بود. پس‌آزمون فوری و تأخیری که شامل محتوای یکسان بودند دارای ۳۰ سوال درک مطلب به شکل چهارگزینه‌ای و ۳۰ سوال ترجمه به شکل جای خالی بودند که از ایزدپناه (۱۹۹۶) انتخاب شده بودند.

روش اجرا: طول مدت این مطالعه حدود ۱۰ جلسه بود. پیش‌آزمون که شامل دو بخش درک مطلب و ترجمه بود در جلسات اول و دوم از هر چهار گروه گرفته شد. سپس از جلسات سوم تا دهم دو گروه آزمایشی تمریناتی را به صورت مکالمات کوتاه که شامل سه نوع از اصطلاحات ذکر شده بود، دریافت کردند. روش کار به این ترتیب بود که معلم مکالمات را برای دانش‌آموزان می‌خواند و درباره معانی آن‌ها به زبان مادری دانش‌آموزان بحث می‌کرد تا دانش‌آموزان را در معرض ۳ نوع اصطلاح معادل، مشابه و متفاوت قرار دهد. گروه‌های شاهد تمرین ویژه اصطلاحات دریافت نکردند و فقط با مکالمه‌ها تمرین کردند. تعداد کل اصطلاحات این مطالعه ۶۰ عدد از سه نوع بود که دانش‌آموزان در هر جلسه حدود شش تا هفت عدد از آن‌ها را یاد می‌گرفتند. در جلسه دهم از تمامی گروه‌ها یک پس‌آزمون فوری و بعد از یک ماه یک پس‌آزمون تأخیری گرفته شد. روش آماری استفاده شده آزمون تحلیل واریانس و آزمون تی

جفتی بود که با استفاده از نرم‌افزار spss انجام گرفت.

نتایج

قبل از پاسخ‌گویی به سوالات، در ابتدا برای اثبات نرمال بودن داده‌ها، از آزمون کولموگروف - اسمیرنوف استفاده شد و نتایج نشان داد که همه‌ی آزمون‌ها شرط نرمال بودن را دارند.

جدول ۱. آزمون مقایسه‌ی یادگیری انواع اصطلاحات در سه آزمون درک مطلب و ترجمه

نوع آزمون	نام آزمون	متغیر	SS	df	MS	F	P
پیش‌آزمون	درک مطلب	نوع اصطلاح	۲۶/۹۶۳	۱	۲۶/۹۶۳	۳۴/۲۱۱	۰/۰۰۰
		نوع اصطلاح و سطح زبان‌آموزان	۰/۵۹۳	۳	۰/۱۹۸	۰/۲۵۱	۰/۸۶۰
		خطا	۳۹/۴۰۷	۵۰	۰/۷۸۸		
پیش‌آزمون	ترجمه	نوع اصطلاح	۲۰/۹۰۴	۱	۲۰/۹۰۴	۵۵/۶۱۳	۰/۰۰۰
		نوع اصطلاح و سطح زبان‌آموزان	۲/۲۵۲	۳	۰/۷۵۱	۱/۹۹۷	۰/۱۲۶
		خطا	۱۸/۷۹۴	۵۰	۰/۳۷۶		
پس‌آزمون	درک مطلب	نوع اصطلاح	۵۲/۱۰۳	۱	۵۲/۱۰۳	۲۳/۸۱۲	۰/۰۰۰
		نوع اصطلاح و سطح زبان‌آموزان	۴/۰۱۰	۳	۱/۳۳۷	۰/۶۱۱	۰/۶۱۱
		خطا	۱۰۹/۴۰۷	۵۰	۲/۱۸۸		
پس‌آزمون	ترجمه	نوع اصطلاح	۲۷۹/۲۸۶	۱	۲۷۹/۲۸۶	۱۷۵/۷۵۵	۰/۰۰۰
		نوع اصطلاح و سطح زبان‌آموزان	۹/۲۱۳	۳	۳/۰۷۱	۱/۹۳۳	۰/۱۳۶
		خطا	۷۹/۴۵۳	۵۰	۱/۵۸۹		
آزمون تاخیری	درک مطلب	نوع اصطلاح	۱۳۸/۱۷۲	۱	۱۳۸/۱۷۲	۶۴/۳۶۱	۰/۰۰۰
		نوع اصطلاح و سطح زبان‌آموزان	۱/۸۴۵	۳	۰/۶۱۵	۰/۲۸۶	۰/۸۳۵
		خطا	۱۰۷/۳۴۱	۵۰	۲/۱۴۷		
آزمون تاخیری	ترجمه	نوع اصطلاح	۲۰۵/۶۳۶	۱	۲۰۵/۶۳۶	۱۸۴/۲۲۵	۰/۰۰۰
		نوع اصطلاح و سطح زبان‌آموزان	۱۵/۹۴۶	۳	۵/۳۱۵	۴/۷۶۲	۰/۰۰۵
		خطا	۵۴/۶۹۵	۴۹	۱/۱۱۶		

مطالعه‌ی سهولت یادگیری اصطلاحات انگلیسی معادل، مشابه و متفاوت با زبان اول در میان دانش‌آموزان...

اولین سوال این پژوهش بررسی میزان سهولت یادگیری سه نوع از اصطلاحات انگلیسی معادل، مشابه، و متفاوت در هر یک از آزمون‌های پیش و پس فوری و تاخیری بود.

جدول ۲. آزمون تعقیبی مقایسه‌ی یادگیری انواع اصطلاحات در آزمون‌های درک مطلب و ترجمه

نوع آزمون	نام آزمون	نوع اصطلاح	نوع اصطلاح	تفاوت میانگین	SE	P	فاصله در دامنه ۹۵٪	
							حد بالا	حد پایین
درک مطلب	۱	۲	۲	۰/۲۱۴	۰/۱۸۳	۰/۷۴۵	-۰/۲۴۰	۰/۶۶۹
		۳	۳	*۱/۰۰۰	۰/۱۷۱	۰/۰۰۰	۰/۵۷۶	۱/۴۲۴
		۱	۱	-۰/۲۱۴	۰/۱۸۳	۰/۷۴۵	-۰/۶۶۹	۰/۲۴۰
	۲	۳	۳	*۰/۷۸۶	۰/۱۷۵	۰/۰۰۰	۰/۳۵۱	۱/۲۲۰
		۱	۱	*-۱/۰۰۰	۰/۱۷۱	۰/۰۰۰	-۱/۴۲۴	-۰/۵۷۶
		۲	۲	*۰/۷۸۶	۰/۱۷۵	۰/۰۰۰	-۱/۲۲۰	-۰/۳۵۱
پیش‌آزمون	۱	۲	۲	*۰/۴۸۹	۰/۱۳۹	۰/۰۰۳	۰/۱۴۴	۰/۸۳۴
		۳	۳	*۰/۸۸	۰/۱۱۸	۰/۰۰۰	۰/۵۸۸	۱/۱۷۳
		۱	۱	*-۰/۴۸۹	۰/۱۳۹	۰/۰۰۳	-۰/۸۳۴	-۰/۱۴۴
	۲	۳	۳	*۰/۳۹۱	۰/۱۷۱	۰/۰۰۰	۰/۲۱۶	۰/۵۶۷
		۱	۱	*-۰/۸۸۰	۰/۱۱۸	۰/۰۰۰	-۱/۱۷۳	-۰/۵۸۸
		۲	۲	*-۰/۳۹۱	۰/۰۷۱	۰/۰۰۰	-۰/۵۶۷	-۰/۲۱۶
درک مطلب	۱	۲	۲	۰/۵۳۸	۰/۲۳۴	۰/۰۷۶	۰/۰۴۱	۱/۱۱۸
		۳	۳	*۱/۳۹۰	۰/۲۸۵	۰/۰۰۰	۰/۶۸۴	۲/۰۹۶
		۱	۱	-۰/۵۳۸	۰/۲۳۴	۰/۰۷۶	-۱/۱۱۸	۰/۰۴۱
	۲	۳	۳	*۰/۸۵۲	۰/۲۳۶	۰/۰۰۲	۰/۲۶۶	۱/۴۳۷
		۱	۱	*-۱/۳۹۰	۰/۲۸۵	۰/۰۰۰	-۲/۰۹۶	-۰/۶۸۴
		۲	۲	*-۰/۸۵۲	۰/۲۳۶	۰/۰۰۲	-۱/۴۳۷	-۰/۲۶۶
پس‌آزمون	۱	۲	۲	*۱/۰۴۹	۰/۲۰۶	۰/۰۰۰	۰/۵۳۹	۱/۵۵۹
		۳	۳	*۳/۲۱۸	۰/۲۴۳	۰/۰۰۰	۲/۶۱۷	۳/۸۲۰
		۱	۱	*-۱/۰۴۹	۰/۲۰۶	۰/۰۰۰	-۱/۵۵۹	-۰/۵۳۹

Vol.6, No.1/68-82					دوره‌ی ۶، شماره‌ی ۱/۸۲-۶۸	
۲/۸۷۳	۱/۴۶۵	۰/۰۰۰	۰/۲۸۴	*۲/۱۶۹	۳	
-۲/۶۱۷	-۳/۸۲۰	۰/۰۰۰	۰/۲۴۳	*-۳/۲۱۸	۱	
-۱/۴۶۵	-۲/۸۷۳	۰/۰۰۰	۰/۲۸۴	*-۲/۱۶۹	۲	۳
۱/۶۲۶	۰/۶۱۹	۰/۰۰۰	۰/۲۰۳	*۱/۱۲۲	۲	۱
۲/۹۶۳	۱/۵۶۵	۰/۰۰۰	۰/۲۸۲	*۲/۲۶۴	۳	
-۰/۶۱۹	-۱/۶۲۶	۰/۰۰۰	۰/۲۰۳	*-۱/۱۲۲	۱	۲
۱/۷۰۰	۰/۵۸۳	۰/۰۰۰	۰/۲۲۵	*۱/۱۴۱	۳	درک مطلب
-۱/۵۶۵	-۲/۹۶۳	۰/۰۰۰	۰/۲۸۲	*-۲/۲۶۴	۱	
-۰/۵۸۳	-۱/۷۰۰	۰/۰۰۰	۰/۲۲۵	*-۱/۱۴۱	۲	آزمون
۱/۶۰۲	۰/۶۹۵	۰/۰۰۰	۰/۱۸۳	*۱/۱۴۸	۲	تاخیری
۳/۲۹۶	۲/۲۷۸	۰/۰۰۰	۰/۲۰۵	*۲/۷۸۷	۳	۱
-۰/۶۹۵	-۱/۶۰۲	۰/۰۰۰	۰/۱۸۳	*-۱/۱۴۸	۱	
۲/۰۴۳	۱/۲۳۴	۰/۰۰۰	۰/۱۶۳	*۱/۶۳۹	۳	ترجمه
-۲/۲۷۸	-۳/۲۹۶	۰/۰۰۰	۰/۲۰۵	*-۲/۷۸۷	۱	
-۱/۲۳۴	-۲/۰۴۳	۰/۰۰۰	۰/۱۶۳	*-۱/۶۳۹	۲	۳

۱=اصطلاحات معادل ۲=اصطلاحات مشابه ۳=اصطلاحات متفاوت

برای پاسخ‌گویی به این سوال از روش آماری تحلیل واریانس و به دنبال آن از آزمون تعقیبی برای یافتن ترتیب سهولت یادگیری اصطلاحات استفاده شد که نتایج آن در جداول ۱ و ۲ بالا آمده است. بر اساس نتایج فوق، میزان سهولت یادگیری سه نوع اصطلاح در هر سه آزمون به طور معنی‌داری متفاوت هست و نوع معادل آسانترین و نوع متفاوت دشوارترین اصطلاحات برای یادگیری در میان هر دو سطح و در میان گروه‌ها می‌باشد.

هدف سوال دوم این پژوهش پاسخ‌گویی به این سوال بود که آیا دانش‌آموزان در درک اصطلاحات انگلیسی بهتر عمل می‌کنند یا در ترجمه کردن عملکرد مناسب‌تری دارند. آمار توصیفی در جدول ۳ زیر آمده است.

جدول ۳. آمار توصیفی برای مقایسه‌ی آزمون درک مطلب و ترجمه

نام جفت	نام آزمون	میانگین	تعداد	انحراف معیار	خطای معیار میانگین
جفت ۱	پیش آزمون درک مطلب	۸/۴۴	۵۴	۲/۵۳۸	۰/۳۴۵
	پیش آزمون ترجمه	۱/۳۷	۵۴	۱/۲۹۳	۰/۱۷۶
جفت ۲	پس آزمون درک مطلب	۲۰/۰۷	۵۴	۵/۴۲۸	۰/۷۳۹
	پس آزمون ترجمه	۱۱/۰۰	۵۴	۶/۱۲۱	۰/۸۳۳
جفت ۳	تاخیری درک مطلب	۱۷/۹۶	۵۴	۵/۱۹۴	۰/۷۰۷
	تاخیری ترجمه	۹/۹۶	۵۴	۵/۸۲۸	۰/۷۹۳

برای پاسخ به این سوال از روش آماری آزمون تی جفتی استفاده شد. نتایج آزمون تی جفتی (جدول ۴) نشان داد که در هر چهار گروه و در هر سه آزمون برگزار شده در زمان‌های مختلف، دانش‌آموزان در درک مطلب بهتر از ترجمه عمل کرده‌اند. به عبارت دیگر، تفاوت معناداری در نتایج آزمون درک مطلب و ترجمه در هر سه نوع اصطلاحات در آزمون‌های مختلف وجود داشت.

جدول ۴. آزمون تی جفتی مقایسه‌ی عملکرد دانش‌آموزان در درک مطلب و ترجمه

sig	df	t	فاصله در دامنه ۹۵٪		SEM	SD	M	آزمون‌های مقایسه شده
			حد پایین	حد بالا				
۰/۰۰۰	۵۳	۱۸/۶۹۷	۷/۸۳۳	۶/۳۱۵	۰/۳۷۸	۲/۷۸	۷/۰۷۴	درک مطلب و ترجمه پیش‌آزمون
۰/۰۰۰	۵۳	۱۰/۲۹۴	۱۰/۸۴۲	۷/۳۰۶	۰/۸۸۱	۶/۴۷۷	۹/۰۷۴	درک مطلب و ترجمه پس‌آزمون
۰/۰۰۰	۵۳	۱۰/۷۳۳	۹/۴۹۵	۶/۵۰۵	۰/۷۴۵	۵/۴۷۷	۸	درک مطلب و ترجمه آزمون تاخیری

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد اصطلاحات معادل به دلیل این که در واقع ترجمه واژه به واژه اصطلاحات زبان اول و یا مادری دانش‌آموزان هستند برای درک و ترجمه آسان‌ترین، و به دنبال آن اصطلاحات معادل که در بعضی از واژگان با اصطلاحات با زبان اول و یا مادری دانش‌آموزان

تشابه دارند و در آخر اصطلاحات متفاوت که به طور کلی متفاوت از اصطلاحات زبان مادری دانش‌آموزان است، دشوارترین برای به خاطر سپاری به منظور درک و ترجمه بودند.

این حقیقت که اصطلاحات معادل و مشابه در دو آزمون درک و ترجمه نسبت به اصطلاحات متفاوت دارای بیشترین پاسخ صحیح بودند را می‌توان به اثر مثبت انتقال معنی اصطلاحی از زبان اول و مادری دانش‌آموزان نسبت داد. بر همین اساس است که نتایج این پژوهش نشان می‌دهد دانش‌آموزان به طور مستمر از زبان اول و یا مادری خود برای درک اصطلاحات انگلیسی استفاده کرده‌اند.

یافته‌های این پژوهش را می‌توان در پرتو تئوری انتقال زبان (گس و سلینگر^۱، ۱۹۸۴) توضیح داد که ادعا می‌کند در فرآیند زبان دوم، بین زبان مادری و زبان دوم دانش‌آموزان مداخله اتفاق می‌افتد. با توجه به مطالعه حاضر، انتقال مثبت زمانی روی می‌دهد که اصطلاحات انگلیسی دارای همتای مشابه و معادل در زبان فارسی باشند و برعکس اصطلاحات متفاوت که دارای کمترین پاسخ صحیح در دو آزمون بودند اثر انتقال منفی را نشان می‌دهند.

یافته‌های این پژوهش را می‌توان همچنین می‌توان بر اساس فرضیه تجزیه و تحلیل مقابله‌ای (لادو^۲، ۱۹۵۷) توضیح داد که خطاها با مقایسه‌ی شباهت‌ها و تفاوت‌های بین زبان اول و زبان دوم قابل پیش‌بینی هستند. همان‌طور که قبلاً توضیح داده شد در این مطالعه اصطلاحات مشابه بین زبان فارسی و انگلیسی در دسته اصطلاحات معادل جاسازی و اصطلاحات متفاوت این دو زبان در دسته اصطلاحات متفاوت قرار گرفته‌اند. از طرف دیگر، دانش‌آموزان در درک اصطلاحات بهتر از ترجمه‌ی آن عمل کردند؛ به این دلیل که دانش‌آموزان در درک لازم بود معنی را متوجه و آن را به اصطلاح موجود در زبان مادری خود ربط دهند ولی در ترجمه دانش‌آموز باید قادر باشد عبارات جدید را با استفاده از واژگان جدید تولید کند.

1. Gass & Selinker

2. Lado

براساس نتایج این پژوهش، چندین کاربرد و نتیجه را می‌توان برای آموزش اصطلاحات تعمیم داد. این مطالعه می‌تواند کاربردهایی برای دانش‌آموزان، معلمان، طراحان برنامه درسی، و محققان داشته باشد. یاغیز^۱ (۲۰۱۳) و ایزدپناه (۱۹۹۶) بررسی می‌کنند که اصطلاحات به عنوان جزء اصلی ارتباطات بومی، دانش‌آموزان را قادر می‌سازند تا افکار، عواطف، و عقیده گویندگان زبان هدف را درک کنند. بنابراین با یادگیری و دانستن اصطلاحات زبان هدف، دانش‌آموزان نه تنها دانش لغوی بلکه درک خود از ارزش‌ها، دانش‌ها، و هنجارهای فرهنگی گویشوران زبان دوم را افزایش دهند. به این دلیل، آموزش و بنای دانش اصطلاحی دانش‌آموزان لازم است به روش نظام‌مند و مداوم انجام شود. معلمان زبان باید برنامه‌ای منظم را برای آموزش اصطلاحات با در نظر گرفتن سن و سطح دانش‌آموزان طراحی کنند.

معلمان، نویسندگان و طراحان برنامه درسی لازم است اصطلاحات را در آموزش از آسان به دشوار تقسیم بندی کنند. بهتر است در ابتدا با اصطلاحات معادل که دارای همتای دقیق در زبان اول دانش‌آموزان هست آغاز کنند. سپس می‌توانند اصطلاحات مشابه را با جلب کردن توجه دانش‌آموزان به تفاوت‌های بین زبان اول و زبان دوم و با آگاه کردن به این حقیقت که اصطلاحات مشابه لازم است به عنوان یک عبارت به خاطر سپرده شوند معرفی کنند. این کار می‌تواند آنها را برای اصطلاحات متفاوت که بزرگترین چالش برای دانش‌آموزان به حساب می‌آید، آماده کند.

دانش‌آموزان بهتر است آگاه شوند که اصطلاحات متفاوت دارای هیچ‌گونه همتایی در زبان اول نیستند و از این رو باید زمان و تلاش بیشتری برای حفظ کردن معنای آنها اختصاص داده شود. از طرف دیگر، ترجمه اصطلاحات به زبان دوم نیازمند توجه بیشتری است که دانش‌آموزان را قادر می‌سازد تا از اصطلاحات در گویش روزانه خود برای شبیه شدن به زبان بومی استفاده کنند. به عنوان محدودیت این پژوهش لازم است توجه داشت که سن و جنسیت دانش‌آموزان در این

پژوهش مورد هدف قرار نگرفته بود و شرکت کنندگان در این پژوهش فقط ۵۴ دانش‌آموز بودند. بنابراین بهتر است عمومیت دادن نتایج با احتیاط انجام شود.

منابع

- میردهقان، میهن و کیانفر، فرانک. (۱۳۹۱). آموزش اصطلاحات زبان فارسی به غیرفارسی زبانان: راهبردهایی آموزشی در طراحی دروس. مقاله‌ی ارایه شده در ششمین همایش پژوهش‌های ادبی، تهران، دانشگاه شهید بهشتی http://www.civilica.com/Paper-LRC06-LRC06_009.html
- Anglin, J. M., Miller, G. A., & Wakefield, P. C. (1993). Vocabulary development: A morphological analysis. *Monographs of the Society for Research in Child Development*, 58 (10), 1-186.
- Carter, R. (1998). *Vocabulary: Applied linguistic perspectives* (2nd Ed.). London: Routledge.
- Cooper, T. C. (1999). Processing of idioms by L2 learners of English. *TESOL Quarterly*, 33 (2), 233-262.
- Feare, R (1980). *Practice with Idioms*. Publisher: Oxford University Press, USA, 1980 ISBN 10: 0195027825 ISBN 13: 9780195027822
- Fotovatnia, Z., & Khaki, Gh. (2012). The effect of three techniques for teaching English idioms to Iranian TEFL undergraduates. *Theory and practice in language studies*, 2 (2), 272-281.
- Gass & Selinker. (1984). The one-to-one principle of interlanguage construction. *Language Learning*, 34, 77-95.
- Gibbs, R., & Nayak, N. (1989). Psycholinguistic studies on the syntactic behavior of idioms. *Cognitive Psychology*, 21, 100-138.
- Grant, L., & Bauer, L. (2004). Criteria for re-defining idioms: Are we barking up the wrong tree? *Applied Linguistics*, 25, 83- 61.
- Izadpanah, S. (1996). *A study of the effects of transfer on the acquisition of idioms in a foreign language by Iranian FL learners*. M. A. thesis, Islamic Azad University of Tabriz.
- Lado, R. (1957). *Linguistics across cultures*. Ann Arbor: University of Michigan Press.
- Mäntylä, K. (2004). *Idioms and language users: The effect of the characteristics of idioms on their recognition and interpretation by native and non-native speakers of English*. Jyväskylä: University of Jyväskylä.
- Nation, I. S. P. (2001). *Learning vocabulary in another language*. Cambridge, UK: Cambridge University Press.
- Pollio, H. R., Barlow, J. M., Fine, H. K., & Pollio, M. R. (1977). *Psychology and the poetics of growth*. Hillsdale, NJ: Erlbaum.

Schmitt, N. (2000). *Vocabulary in language teaching*. New York: Cambridge University Press.

Seidl, J., & McMordie, W. (1978). *English idioms and how to use them*. Oxford: Oxford University Press.

Yağiz, O., & Izadpanah, S. (2013). Language, culture, idioms, and their relationship with the foreign language. *Journal of Language Teaching & Research*, 4 (5), 953-957.

A study of learning compositional, semi-compositional, and non-compositional idioms among high school students

R. Abdi¹ & G. Farangizade²

Abstract

Second language learners have difficulty in vocabulary learning since many English words have two or more meanings especially when they occur in idioms or expressions and deciding the correct meaning is demanding for EFL learners. So, this study aimed at investigating how 54 Persian students of English at intermediate and advanced levels which included 28 advanced students and 26 intermediate students, used their first language knowledge to comprehend and produce 3 types of English idioms, namely compositional, semi-compositional, and non-compositional ones. Compositional idioms, which are totally word for word translation of English idioms in learners mother tongue, like: Be on the tip of one's tongue. Semi-compositional idioms which are syntactically or semantically similar but differ in one or more words, such as: for a rainy day. Non-compositional idioms which are totally different in translation from learners mother tongue, for example, drive someone up the heel. The students were divided into 4 groups; 2 experimentals and 2 controls. A pretest which included both comprehension and production tests was administered to each group. Then, the experimental groups received the treatment in the form of small conversations, but the control groups did not receive any treatment. In the last session all groups received an immediate posttest. After one month, a delayed posttest was administered. For the analysis of the data, a t-test and ANOVA were employed. Results in the four groups showed that compositional idioms had the highest correct responses, followed by semi-compositional idioms, and non-compositional idioms were the most difficult to comprehend and produce. In addition, in all groups students performed better in comprehension rather than production test.

Keywords: idiomatic expressions, idiom comprehension, idiom production, compositional, semi-compositional, non-compositional idioms

1. Associate Professor of English Language Teaching, University of Mohaghegh Ardabili

2. Corresponding Author: M.A. student English Language Teaching, University of Mohaghegh Ardabili. (ghazalfarangizade@yahoo.com)